

نیمه‌ی پر لیوان



زهرا شریف‌شاد
آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی،
کارشناس ارشد مدیریت
آموزشی، شهر قم

چند روز به شروع اولین سال تدریس مانده بود. قرار بر این شده بود که معلم پایه‌ی اول باشم. واکنش اطرافیان را می‌شد پیش‌بینی کرد: ای کاش پایه‌ی دیگری نصیب می‌شد! چطور می‌خواهی به کودکانی که هنوز حرف‌زدن را خوب بلد نیستند، نوشتن یاد بدهی؟ داشتن یک بچه سخت است، چه برسد به اینکه بخوای مادر دوم سی تا بچه باشی و حرف‌هایی از این دست که با تصور خودم از این کار زیاد هم فاصله نداشت.

من باور داشتم در هر تجربه‌ای موهبتی هست که نباید نادیده‌اش گرفت. پس مشغول مطالعه و آموختن شیوه‌های تدریس و برقراری ارتباط با دانش‌آموزانم شدم. هر روز که می‌گذشت، سختی کار کمتر و شیرینی‌اش بیشتر می‌شد. مدتی گذشت و آموزش نشانه‌ها و مهارت‌های ابتدایی به پایان رسید. روزی یکی از نزدیکانم پرسید: «به کدام حرف رسیده‌اید؟» گفتم: «تازه الفبا را شروع کرده‌ایم، بچه‌ها دارند نوشتن آب را یاد می‌گیرند و قرار است این هفته برایشان جشن آب بگیریم.»

با خنده گفت: «مگر نوشتن آب هم جشن دارد؟!» و بعد کمی جدی‌تر گفت: «یعنی هنوز ۳۰ حرف دیگر باقی مانده است که یادشان بدهی؟»

مثل خیلی‌ها نیمه‌ی خالی لیوان را می‌دید، درحالی‌که من به نیمه‌ی پر لیوان نگاه می‌کردم. به دفتر مشق‌هایی که پر از آب بود.

به عشق و امید و رضایتی که هر کدام از آن فرشته‌ها به یادگیری داشتند.

روزهای اول با خودم می‌گفتم: «واقعاً چطور قرار است این‌ها باسواد بشوند؟!» و حالا می‌توانستم توی هر قطره‌ی آب کل جهان

را ببینم. جهانی که داشت ساخته می‌شد. به این فکر کردم که ای کاش ما آدم‌بزرگ‌ها هم با چنین عشق و صبوری‌ای زندگی می‌کردیم. یاد حدیثی افتادم که می‌گفت هرگاه دیدید خداوند از بخشیدن دست کشید، بدانید که بندگان از شکرگزاری دست کشیده‌اند (مجلسی، ۶۸، ص ۵۴) و چقدر ما آدم‌های عجول ناامید یادمان می‌رود شکر داشته‌هایمان را بکنیم و نیمه‌ی پر لیوان را ببینیم. پر فروش‌ترین کتاب‌های عصر ما کتاب‌های خودیاری و تفکر مثبت هستند. این کتاب‌ها حرف اول و آخر تمامشان این است که مثبت بیندیشید، بعضی به دلایل روان‌شناختی تمسک می‌جویند و بعضی دیگر به قوانین مابعدالطبیعه و جذب و...؛ اما همه می‌خواهند بگویند که امیدوار و مثبت‌اندیش باشید تا برایتان اتفاق‌های عالی رخ دهد.

فکر می‌کنم مثبت‌اندیشی از نان شب هم برایمان واجب‌تر است. چیزی که آن را تنها یک حالت ذهنی در نظر می‌گیریم و کمتر کسی در مورد آثار و لوازم آن به‌طور جدی فکر می‌کند. اینکه باید اصل زندگی‌مان باشد نه چیزی که به‌عنوان دستورالعمل داخل کتاب، روزی نیم ساعت تمرینش کنیم. همان‌طور که حضرت داود (ع) در دعایش گفت: «پروردگارا، کسی که تو را بشناسد و حسن ظن نداشته باشد به تو ایمان نیاورده است» (شعیری، بی‌تا، ۹۹). پیامبراکرم (ص)

فرمود: «به هیچ مؤمنی هرگز خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به سبب خوش‌بینی‌اش به خدا و امیدواری‌اش به او...» (کلینی، ج ۳، ص ۱۱۵).

امام علی (ع) می‌فرماید: «خوش‌گمانی به خدا، آسودگی دل و سلامت دین است.» (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۵، ح ۵۸۹۸). امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «گمان خود را به خدا نیکو سازید که او می‌فرماید من با گمان بنده‌ی مؤمن هستم، اگر گمانش خوب باشد، من نیز با وی آن‌گونه عمل کنم و اگر گمان بدی داشته باشد، عمل من نیز طبق همان خواهد بود» (کلینی، ج ۳، ص ۱۱۶).

تمام کائنات هم همین‌طور با اندیشه‌های ما هماهنگ‌اند، وقتی صبوری و ایمان و امید و در یک عبارت مثبت فکر کردن را کنار می‌گذاریم، در سایه‌ی ناتوانی و ترس‌هایمان فرو می‌رویم، نعمت‌هایمان را فراموش می‌کنیم و دیگر انگیزه‌ای برای فزونی و تغییر باقی نمی‌ماند. دوست معلمی می‌گفت: در مدرسه بیشتر از دانش‌آموزان، این معلم‌ها هستند که یاد می‌گیرند و ساخته می‌شوند.

تجربه‌ی اولین سال تدریس من برایم سرشار از آموختن بود. مثل کسی که در طبیعت سیر می‌کند و خدا را می‌شناسد، به گل‌های کوچک این باغ نگاه می‌کردم و شکوفاشدن دانش در سیمایشان مرا به وجد می‌آورد. دختران کوچکی که روزهای اول

منابع
 ۱. امجدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۷۸)، غرورالحکم و درواالحکم، ترجمه‌ی هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۲. رابیندرانات تاگور، (۱۳۹۷)، ماه نو و مرغان آواره، تهران: نشر ثالث.
 ۳. شعیب‌ری، محمدبن محمد، (بی تا)، جامع الاخبار، مطبعه‌ی حیدریه، چاپ اول، نجف.
 ۴. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۰)، اصول کافی، ترجمه‌ی مصطفوی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامی.
 ۵. نشردهی علوم و معارف قرآن کریم، (۱۳۸۹)، شماره‌ی ۷، ص ۳، ۵.

به‌سختی آب را می‌نوشتند، امروز در دریای کلمات شناورند. گل‌هایی که برای رشد به نور امید نیاز دارند نه دنیای تاریک و ترسناکی که ما بزرگ‌ترها ناخواسته برایشان ساخته‌ایم و هر بار می‌خواهیم از زیر بار مسئولیت‌مان شانه خالی کنیم، توپ را به زمین دیگری می‌اندازیم و می‌گوییم این محیط برای رشد مناسب نیست. درحالی‌که خودمان هم تلاش چندانی برای بهبود اوضاع نمی‌کنیم. خوب است در مواقع ناامیدی از خودمان بپرسیم که بر طبل نداشتن‌ها و نمی‌توان‌ها کوبیدن چه فایده‌ای دارد؟ چه چیز را بهتر می‌کند؟ در روش‌های درمانی‌ای که روی افراد افسرده و منفی‌نگر انجام می‌شود، در می‌یابیم که معمولا بدون تغییر محیط و فقط با آموختن مثبت‌اندیشی به این افراد اثرات خوبی در نگرش و زندگی آن‌ها پدید می‌آید. نتیجه‌ی این مطالعات نشان می‌دهد که انسان بیشتر از اینکه از محیط تأثیر بپذیرد، می‌تواند بر آن اثر بگذارد. بیایید ما باغبان‌ها با ساختن حصار از امید و انگیزه برای کشور زیبایمان به سرسبزی این سرزمین و شکوفایی گل‌های پاکش همت کنیم و به خدا امیدوار باشیم همان‌طور که او با هر تولد به ما می‌گوید که هنوز به انسان امیدوار است (رابیندرانات تاگور، ۱۳۹۷) و «آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است» (بقره/ ۲۱۴).

تصویرگر: حسین یوزباشی

آیندازی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و ششم
 شماره‌ی ۱۴۰۲۷

۱۵